

دربارهٔ نظام تبریزی

ایرج افشار

مرکز میراث مکتوب

شادم که متن بسیار با ارزش بلوهر و بیودسف با مقدمهٔ فاضل ارجمند دکتر محمد روشن چاپ شده است، اگرچه این کار از روی نسخهٔ بازنویسی شده توسط فاضلی گمنام از معاصران به انجام رسیده. مرا با چند و چون کار آن فاضل گمنام کاری نیست و بر عهدهٔ نقدنویسان متون است که بدان مقوله پردازند.

نکته‌ای که موجب نگارش این چند سطر است دربارهٔ کلمهٔ نظام است که ظاهراً شهرت یا تخلص مؤلف بوده و چنان که در نسخهٔ خطی (بدون تشدید) مضبوط است به چاپ انتقال یافته است.

اما در مقدمهٔ مؤلف عبارتی هست که به گمان من حاوی و حاکی اشارتی است به آن شهرت یا تخلص. عبارت این است:

نظمهای سَمِج مکرر را حذف کرده و سجعهای بَشِع متکلف را انداخته
بر وجهی اختصار کردم که اربابِ خبرت... تحسین فرمایند و مقدار رتبت
مختصر آن را در سخن بشناسند.

چه نظامی کاری شگرف است و بحر سخن دریایی ژرف...

بطوری که ملاحظه می‌شود درین عبارت اصطلاح نظام را (به تشدید) به کار گرفته و با بحر سخن آن را تناسب داده است. ارتباط نظام با بحر ازین بابت است که از دریا چون مروارید را بیرون می‌آورده‌اند به دست نظام می‌سپرده‌اند که آنها را از حیث مقدار و میزان جداسازی کند و سپس به رشته درآورد.

بهترین شاهدی که درین مورد داریم ذکر این پیشه در کتاب معتبر جواهر نامه نظامی تألیف محمدبن ابوالبرکات نیشابوری در سال ۵۹۲ هجری است.

در این کتاب آمده است: «و در قدیم هرچه ازین هارات از وزن و عدد عقود کم می‌کرده‌اند آن را می‌گیسخته‌اند و نظامی آن را می‌پیوسته است» (ورق ۶۳ b نسخه باقر ترقی)

در دنبال آن آورده است «در تاریخ قدیم در کیش و بحرین ثقاب و نظام نبوده است.» (پشت آن ورق)

باز در جای دیگر نوشته است «و آن کسی که مروارید خرد و بزرگ را به ریسمان کند و را «نظام» خوانند... و نظام را تختی باشد مربع مثل تخت شطرنج...» (ورق ۷۷a تقریباً عین همین مطالب را ابوالقاسم کاشانی مورخ در کتاب عرایس الجواهر و نفایس الاطایب (مورخ ۷۰۰) هم نقل کرده است (از جمله در صفحه ۱۰۹ چاپ شده) و البته امکان دارد که نظامها سایر مهره‌های گرانها را هم به رشته می‌کشیده‌اند مانند تسبیح و انواع گردن‌بند و خلخال.

از شعر فارسی قدیم هم شواهدی در لغت‌نامه دهخدا نقل شده است مانند:

برآور از صدفِ سینه لؤلؤ منشور که تا به سلک درآرم به سوزن نظام

(سوزنی)

عقد نظامان سحر از من پذیرد واسطه قلب ضرابان شعر از من پذیرد کیمیا

(خاقانی)

زهی سیاست تو عقد شرک را فتّاح زهی ریاست تو درّ عقد را نظام

(ابوالفرج رونی)

به هر تقدیر پیشنهادی است برای روشن شدن ضبط شهرت مؤلف، لذا تصورم بر آن است که او میان شهرت یا تخلص خود و پیشه «نظامی» هنر مناسبت یابی را در نظر داشته و عبارت را آن چنان که نقل شد انتظام داده است.